

بحث مستندی در
باره تاریخ قرآن
و ادواری که بر آن
گذشته است.

دنیای نوین

و با عظمت

قرآن

کتابی که اعجازش در فصاحت الفاظ و بلاغت معانی و نظم و ترتیب عبارات نمودار است و عالیترین و کاملترین تأثیر را در نفوس انسانی بجای گذاشت و در اینکه چگونه تمام لهجه ها و لغت های چهل گانه عرب را که یگانه وسیله افتخار و غرور هر يك از صاحبان آنها بود؛ تحت الشعاع قرار داد و توانست چنین سازمان بزرگ اجتماعی که اختصاص بقوم و نژاد همین نداشت تا سرحد وحدت و برادری جهانی بوجود آورد. و بندهایی که در قرون متمادی عقلها و اندیشه ما را محدود نموده و خلق را پندگی غیر خدا در آورده بود بگسلد، محرومیت ها را از میان بردارد، سنگرها و حصارهای ستم طبقاتی را فرود ببرد؛ و عربی که جز بخودش نمی اندیشید و چیز دیگری را قبول نداشت. ناگهان آوای «صلاح انسانی و برادری» را شنید و تعصب قومی را در قومیت انسانی محو کرد و «جامعه عربی» به «جامعه اسلامی» تبدیل گردید، این اثر قرآن بود که بزبان عربی نازل شده و اثرش جنبه جهانی داشت و ...

کتابی که عرب بیابانی را آنچنان ساخت که توانست بر متمدنترین ملل جهان چیره شود، ولی غرق نگردد و شخصیت قرآنی خود را از دست ندهد، در حالیکه حمله ژرمنها در قرن پنجم میلادی به اروپا نه تنها آنها را در اقوام و ملل اروپائی تحلیل برد، بلکه زبانشان را هم از دستشان گرفت ...

بحث از تاریخ مهمترین و پر ارزش ترین کتابی است که نزول آن از مبدأ اعلای قدرت خداوندگار و ظهور و تأثیر آن در هدایت و جنبش انسانها بسی حیرت آور و شوکت انگیز است ۱۹

کتابی که ناچار باید آنرا يك اعجاز آسمانی بدانیم و گرنه چگونه ممکن است که يك جامعه عصب افشاده و دور از تمدن و تنی از اندیشه های بلند، چنین اثر پر حکمت و بلند پایه ای را بسازد؟ و چه تناسبی است میان آن و جامعه آن روز عرب؟!

بحث از تاریخ کتاب گرانقدری است که در میان جمیع کتب آسمانی بدون هیچ تغییر و تحریفی باقی مانده و فهم معانی و درک مفاسد و مطالب آن برای همگان میسر است و دارای اشارات و لطائف و حقایقی است که تنها خواص بدان پی میبرند (۱)

کتابی که در زمان همدورهها و پناه به پناهان و روشنی بخش دلهاست (۲) اشاعت گنده ای است پذیرش شده و بوخردهی است تصدیق شده ، کسبکه آرا پیش رو قرار دهد ، بسوی بهشتش میکشاند ، و آنکس که آرا پست سراندازد ، بسوی آتشش میبرد .

راهنمایی است بسوی بهترین راه ، فضل عیان حق و باطل است و عزلت نیست ، ظاهر و باطن دارد ، ظاهرش حکم و باطنش دانش ، ظاهرش دلم را و باطنش عمیق است ، ریشه های آن ، در اعماق حقیقت فرو رفته و آن ریشه ها را نیز ریشه های دیگری است ، بهایع آن بشمارد نباید حقایق نوین آن هرگز کینه نگردد ، در آن چراغهای هدایت و انوار حکمت و دلیل معرفت است . (۳)

راهنمایست در برابر گمراهی ، و چراغ روشنی است در مقابل بیراهه ها ، وسیله بازگشت از هر لغزش و نورست از تاریکی و بر توست از هر پیش آمد ، نگهدار هر هلاکت و مایه از هر گمگشنگی حیرت زدگی ، بیانیست و رموره هر فتنه ، و وسیله رسیدن از دنیا بسمات آخرت ... (۴)

کتابی که تفکر در آن بهار دلهاست و بهیو دهده

درون سینه ها : تلاوت آن ، تلاوت گوارترین و شیرین ترین «مقتضیات»... (۵)

و بالاخره بحث ما پیرامون دریای پر عظمت و نورانی کتاب بگنالی است که دیده ها را خیره کرده ، و هنوز پس از گذشت هزار و چهار صد سال بخار دانشوران بزرگوار در شرق و غرب جهان بخود متوجه نموده ، در روز بروز زینت و میل جهانیان و صاحبان دانش و پیش به مطالعه و بهره گیری از مبانی و احکام آن فروغش میگردد .

میخواهم تنها قطره ای از بحر بیکران و اقیانوس بی انت کتابی با چشمی که یکی از دانشمندان ژرف اندیش معاصر درباره اش چنین میگوید :

قرآن کلامی است که از سبده غیب در قابیل پیاه بر (ص) ریخته شده و از زبان او سر برزده ...

در نظم و اسلوب خود کلامی است و از هر سخن جدا است ، بوسیله صیغه مؤنث و آغاز و انجام آیاتش ممتاز است ؛ و از شعر و نسیف ، بوسیله برکداری انوزن و قافیہ .

و چون قرآن با ترکیب روان و سیل آسای خود بر تو خوانده شود و گوشت را به آغاز و فواصل آیات خود آشنا سازد ، در آیتش نه ضرب و عروسی وجود دارد ؛ و نه قافیهای ، ولی تمام سخن در آن بهم بسته و پیوسته است ، تا آنجا که هر جمله و سخن را و خطیب سخنور را در سنگها پست سر انداخته است .

(۱) للقرآن عبارات و اشارات و لطائف و حقائق ؛ فالعبارات للمعاني ، و الاشارات للمعاني ، و اللطائف

للارواء و الحقائق للانبياء .
(۲) فاذالتبت عليكم الفتن كتضع الليل المظلم فملیکم بالقرآن ... (اصول کافی ج ۴ ص ۴۰۷ - تفسیر المیزان ج ۱ صفحه ۱۰)

یعنی : آنکه که انواع بلاها و شدائد مانند باره های شب تاریک شما را فرو پوشید ، بقرآن پناه برید .

(۳) اصول کافی ص ۴۰۷ ، کتاب فضل القرآن ، حدیث (۲)

(۴) و اصول الکافی ج ۴ ص ۴۰۹ ، کتاب فضل القرآن ، حدیث (۸)

(۵) ... و تفهوما فیہ فان یربع القلوب و استنفا بنوره فان شفاة الصدور و احسن التلاوة فانها تفتح القلوب ...



بر تالیف کتاب نویسان این مرتبت را دارد که رشته سخن را بیک موضوع اختصاص نمی دهد ؛ و هنوز سامع شنونده از بیان یک موضوع خسته نشده است که در فصولی از گفتار و نوعی از معانی دیگر وارد بحث میشود ، در همین حال که برای انسان داستان گذشتگان را بیان میکند ، چون بیم دهنده ای اعلام خطر مینماید .

گوش انسان را از مزده و بشارت مبشران پر میکند و در این میان که انسان را با حکام دین پرورش میدهد ، امر انجام پر هیر کاران را تشریح ، و هلاکت کاران را بیان میکند .

در همین حال که تاریخ ملتهای پیشین را میآموزد ، به یاد آورنده و تیرد را سر کشان و مفسدان تشویق مینماید .

قرآن میخاند از همه فنون کلام فصحا و سخن سرا بیان عرب ممتاز است ، راستی که تاریست جدا کننده حق از باطل ، انواع مقاصد و اطراف سخن ، با بیانی قرآنی و جمله بندی براننده در آن فراهم شده است . و مردم عادی چنان از آن استفاده کنند و با آن

مأنوس شوند که گویا همان گفتار خود آنهاست که در جلسات خود بدان سخن گویند در حالی که هیچگونه تمیزات زشت و نامأنوس و ناآشنائی در

کلمه های دهنده هست و نه در جمله بندیها و ترکیبها ؛ ایهام و گمراهی وجود دارد ، با این ظاهر ساده و مأنوس فوق العاده بر مغز و عین است که خورد بزرگترین فلاسفه در فهم حقائق آن سرگردان است و اندکی از آن در کتابهایی از معارف و علوم تفسیر میشود (۱)

(۱) ترجمه از مقاله شانزدهم جلد سوم کتاب «الدین فی طور الاجتماع» طبع نجف اشرف سال ۱۳۵۶ قمری .

(۲) نقل از مقدمه «تاریخ قرآن» تألیف ابو عبیدالله مجتهد زنجانی .

و دواز A. Wells ، دانشمند و نویسنده مشهور انگلیسی هنگامیکه یکی از مجله های علمی اروپا عقیده و نظار او را درباره بزرگترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تا کنون در دنیا اثر گذارده می پرسد ؛ در جواب نام چند کتاب را برده و در پایان مینویسد :

«اما کتاب چهارم که مهمترین کتاب دنیاست «قرآن» است زیرا که این کتاب آسمانی اثری که در دنیا ندارد نظیر آنرا هیچ کتابی بخود ندیده است !

قرآن کتاب علمی و دینی و اجتماعی و تہذیبی و اخلاقی و تاریخی است مقررات و قوانین و احکام آن با اصول قوانین و مقررات دنیای امروز تطبیق می کند و برای همیشه قابل پیروی و عمل است . هر کس بخواید دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشری پیشرفت داشته باشد باید که دین اسلام را اختیار نماید و اگر خواهد که معنی این دین را بیابد بقرآن مراجعه کند (۲)

راستی که حتی در دورترین و ساحل این دریای موج و اقیانوس با عظمت قرار گرفتن بسی دشوار است ، و نیازمند جرأت و عمق و بینش فراوان ، ولی بیاری پروردگاری که چنین کتاب بلند پایه ای را فرو فرستاد ؛ هر چند که آب این دریای پر عظمت را نتوان کشید اما با اندازه تشنگی و نیاز بتوان چشید ؛ بدین امید گشکاش و بحث از تاریخ قرآن و ادواری که از زمان نزول آن تا قرن اسلامی بر این کتاب مقدس گذاشته است ، آغاز میکنیم .

(۱) ترجمه از مقاله شانزدهم جلد سوم کتاب «الدین فی طور الاجتماع» طبع نجف اشرف سال ۱۳۵۶ قمری .

(۲) نقل از مقدمه «تاریخ قرآن» تألیف ابو عبیدالله مجتهد زنجانی .